



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
انجمن حقوق انسان الاسلامیه فی ایران



نوشتار دو حقوقدان آمریکایی در خصوص غیر قانونی بودن هر گونه اقدام نظامی ترامپ علیه
ایران از منظر قوانین و مقررات آمریکا

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

زمستان ۱۴۰۴

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران در دو نوبت طی یکسال و در حالی که در هر دو بار نمایندگان ایران و آمریکا مشغول مذاکرات سیاسی بودند، به خوبی به جهانیان نشان داد که نتانیاهو و ترامپ به هیچ قاعده حقوقی بین المللی یا موازین اخلاقی و انسانی پایبندی ندارند و رویکرد آنها این است که با زور و آدم کشی و جنایت به اهداف نامشروع خود برسند. این جنایتکاران حتی مانند برخی دوستان خود در اروپا، کانادا و استرالیا یا در دولت‌های قبلی آمریکا لازم هم نمی بینند که ظاهر امور را رعایت کرده یا جنایات خود را قالب پوشش های فریب کارانه بکار گیرند. آنها خیلی صریح و علنی مرتب اعلام می کنند که فلان کشور را هدف قرار می دهیم، فلان مقامات را به قتل می رسانیم یا می ربائیم و فلان منابع ملت‌ها از جمله نفت را تصاحب می کنیم. همین رفتار علنی جنایت ورزی و افتخار خود به این رفتارهای غیر انسانی و نمایش صحنه های تکان دهنده جنایات آنها در غزه، لبنان و اخیرا در میناب، لامرد و بسیاری از دیگر شهرها و روستاهای ایران، بیداری عموم ملت‌ها را در پی داشته است و اکثر ملت‌ها بازنگری در نگرش‌ها و بینش های خود در خصوص موضوعات متنوع از جمله نظم بین المللی، حاکمیت قانون، برابری حاکمیت ها، حقوق بشر و عدالت جهانی را اولویت بخشیده اند. امروزه برای بسیاری از مردم دنیا روشن شده که زورگویان جهانی سالها به دروغ دم از تمدن و ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشر می زدند حال آنکه آنها نه تنها هیچ فرقی با ذهنیت نیاکان استعمارگر خود در قرن های ۱۸ و ۱۹ ندارند بلکه به جهت دسترسی به ابزارهای ویرانگر مدرن و انواع رسانه های اثرگذار بر نظام ادراکی ملت‌ها، به مراتب از استعمارگران قرون قبل خطرناک تر هستند و اهداف پلید تری را دنبال می کنند. آنچه از نظر این جنایتکاران و قلدران بی منطق معیار است، تسلط بر منابع جهانی و برخورداری از وضعیتی است که دیگر کشورها و ملت‌ها در اختیار آنها باشند و خطری برای منافع نامشروع آنها در بر نداشته باشند.

در پی جنایت تجاوز مجدد به ایران در نهم اسفند ماه، یکی از جهات قابل بررسی، ابعاد حقوقی بین المللی موضوع بوده است. در همین مدت کوتاه از شروع جنگ مجدد علیه ایران، اساتید و کارشناسان متعددی در سطح جهانی در این خصوص اعلام نظر کرده و با تحلیل دقیق قواعد حقوقی، اقدام ترامپ و همراه جنایتکارش را تجاوز غیر قانونی و نقض موازین بین المللی ارزیابی نموده اند.

نظر به اینکه امور پژوهشی کمیسیون به عنوان یکی از اقدامات ضروری برای تقویت مقاومت در مقابل متجاوز و حمایت از حقوق ملی و انسانی، اکثر نوشتارهای منتشره حقوقی در سطح جهانی در مورد جنگ تحمیلی علیه ایران را مورد توجه قرار داده و موارد فنی تر را به فارسی ترجمه و منتشر کرده است، طبیعی بود که رصد شود تا نمونه هایی از تحلیل های حقوقی در خصوص تطبیق اقدام دولت ترامپ با قانون اساسی و مقررات عادی خود آمریکا نیز برای مخاطبان فارسی زبان معرفی گردد. اثری که در این گزارش معرفی می شود نوشتاری است که حسب اعلام نویسندگان آن ابتدا در سال ۲۰۱۹ نوشته شده است. در آن زمان گویا خطر حمله به ایران بدون طی فرایندهای قانونی آمریکا مطرح بوده بر همین اساس دو نفر از حقوقدانان بین المللی که سابقه فعالیت های مشورتی در نهادهای عالی خود آمریکا را نیز داشته اند در این خصوص ارزیابی خود را اعلام کرده اند.

نوشتر مزبور مجدد در سال ۲۰۲۵ بعد از حمله اسرائیل به ایران و قبل از اینکه ترامپ نیز مستقیماً به بمباران برخی مراکز هسته ای ایران اقدام کند، با برخی روز آمد سازی ها از سوی نویسندگان مقاله مجدداً در آمریکا منتشر شده تا به ترامپ یادآوری کند که بدون طی فرایندهای قانونی اجازه اقدام نظامی علیه ایران را ندارد اما وی بی توجه به این تذکارات حقوقی و قانونی جنایت تجاوز به ایران را مرتکب شد.

در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ یعنی همان روزی که ترامپ و نتانیاهو برای بار دوم حمله نظامی علیه ایران را با عملیات های ترور علیه مقامات عالی ایران و هدف قرار دادن کودکان معصوم در مدرسه شجره طیبه میناب و بکارگیری بمب های نوین منتشر کننده هزاران ساچمه گشوده در فضای شهر لامرد و غرق به خون ساختن کودکان و نوجوانان ورزشکار در ورزشگاه لامرد، آغاز کردند، رسانه منتشر کننده مقاله معرفی شده در این گزارش برای نوبت دوم این اثر را در فضای مباحثات حقوقی در آمریکا بازنشر کردند. ظاهراً این انتشار ساعتی قبل از حمله نظامی به ایران صورت گرفته است. شاید نویسندگان و مسئولان رسانه منتشرکننده تصور می کردند که با این هشدارها و تذکرات حقوقی دولت ترامپ تقید خود به قوانین و مقررات کشورش را نشان خواهد داد و از آنها تخطی نخواهد نمود اما متأسفانه این بار نیز وی نه تنها قواعد بین المللی بلکه مقررات کشور خودش را نیز لگد مال کرد و بدین طریق جنایتی غیر انسانی را علیه ملت ایران تکرار نمود.

اثر حاضر تلاش کرده تا در قالب چند پرسش و پاسخ، ابعاد مختلف احتمال حمله نظامی ترامپ به ایران را واکاوی و توضیح دهد که با چه فرایندی این اقدام می تواند برابر نظام حقوقی آمریکا قانونی و در چه صورت غیر قانونی خواهد بود. ترامپ هیچ یک از چارچوب های قانونی توضیح داده شده در این نوشتار را رعایت نکرده و بعید است در ادامه نیز رعایت کند. فارغ از فهم این واقعیت تلخ، مخاطبان می توانند از زاویه ای دیگر نیز به تحلیل این موضوع بپردازند و آن اینکه سال ها به جهانیان گفته می شد که نظام حقوقی آمریکا کاملترین نظام حقوقی است و چارچوب های دموکراتیک آن چنان خوب طراحی و نهادینه شده که اجازه هیچ نقض قانونی را به صاحبان قدرت نمی دهد و آنها همواره در معرض پاسخگویی و نظارت قانونی و عمومی هستند و قوه قضائیه مستقل و بیطرف با کوچکترین موارد نقض برخورد می کند اما تحولات این ماهها به خوبی نشان داد که این تصویر سازی ها تا چه اندازه واقعی و تا چه میزان همانند فیلم های هالیوودی آمریکایی صرفاً خالی بندی نمایشی و عاری از حقیقت بوده است. با بکار گیری انواع ابزارهای نظامی و غیر نظامی رییس جمهور یک کشور دیگر را ربودند و به زندان خود منتقل کردند و خبر دادند که به زودی نزد مرجع قضایی حاضر خواهد شد تا نمایش محاکمه وی را اجرا نمایند، هیچ کس در مرجع قضایی نگفت که ما حق چنین کاری را نداریم و چنین دادرسی ناعادلانه و فرمایشی است. هم اینکه نیز برای دومین بار ترامپ انواع جنایات را حتی بر خلاف نظر میلیونها نفر از مردم کشورش علیه ملت ایران مرتکب شده اما هیچ خبری از سازوکارهای موثر کنترلی که سال ها مدعی آن بودند نیست و عملاً مراجع مختلف در اختیار هم حزبی های ترامپ و در مسیر همراهی با وی عمل می کنند و حزب مخالف نیز کار موثری نمی تواند انجام دهد. این واقعیات بیش از گذشته ملت ها را بیدار می کند که باید خود از حقوق انسانی و ملی خویش دفاع کنند و بر قدرت همه جانبه ملی در مقابل این جنایتکاران بیفزایند و اجازه ندهند که زیر پای این زورگویان بی منطق لگد مال شوند.

امور پژوهشی کمیسیون همانند سایر موارد مشابه، در ترجمه این اثر نیز بعضاً توضیحاتی را در زیرنویس افزود، هم چنین معادل انگلیسی برخی واژه های مهم را در زیرنویس ذکر نمود یا کلماتی را داخل براکت [] بر متن افزود تا فهم مطالب راحت تر فراهم شود. ارجاعات خود نویسندگان به منابع دیگر که در متن اصلی وجود داشت نیز عیناً حفظ گردیده است.

امید است با ملاحظه این قبیل متون بهتر از گذشته توجه داشته باشیم که کشورمان مظلوم واقع شده و جنایتی بزرگ علیه ملت و سرزمین و نظام ایران صورت پذیرفته است و برای دفاع موثر از خود در همه عرصه ها از جمله عرصه شناخت ابعاد تهاجم به ایران و مقابله با آن و اقدامات حقوقی بین المللی از هر تلاشی فروگذاری نکنیم و با وحدت و همدلی و مقاومت ملی بتوانیم هر چه سریعتر متجاوزان را از اقدامات پلید خود پشیمان و عدالت را در مورد آنها اجرا نمائیم.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

اسفند ۱۴۰۴

♦ نویسندگان: برایان ایگان، پژوهشگر ارشد حقوق بین الملل، مقام ارشد حقوقی در کاخ سفید، شورای امنیت ملی، وزارت امور خارجه و وزارت خزانه داری ایالات متحده آمریکا در دوره اوباما، فعال در موسسات متعدد خصوصی در آمریکا در زمینه مشاوره مسائل مختلف حقوق بین الملل عمومی / تس بریجمن، سردبیر مشترک مجله دیجیتالی امنیت عادلانه در آمریکا و دارای سوابق فعالیت در مراکز حاکمیتی آمریکا

♦ ترجمه انگلیسی به فارسی و توضیحات افزوده: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، اسفند ۱۴۰۴

♦ ماخذ: نشریه حقوقی دیجیتالی امنیت عادلانه / جاست سکیوریتی (justsecurity.org)، ۲۸ فوریه ۲۰۲۶

♦ شناسه متن: ۰۴/۴/۴۱۲

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر ماخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

عکس روی جلد گزارش: یک معترض آمریکایی که تصویر شرمنده و گریان مجسمه آزادی در آمریکا را بدست گرفته در حالی که با خود نجوا می کند که: «آمریکا چه غلطی می کنی؟» کنایه به مسئولان آمریکایی که دست از اقدامات خلاف خود بردارند و حیثیت کشور خویش را بیش از این بر باد ندهند...

متن مقاله:

گزارش تحلیلی کارشناسان برجسته: اقدام نظامی علیه ایران و قوانین داخلی ایالات متحده

نوشته‌ی برایان ایگان^۱ پژوهشگر ارشد حقوق بین الملل، مقام ارشد حقوقی در کاخ سفید، شورای امنیت ملی، وزارت امور خارجه و وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا در دوره اوباما، فعال در موسسات متعدد خصوصی در آمریکا در زمینه مشاوره مسائل مختلف حقوق بین الملل عمومی / تس بریجمن^۲ سردبیر مشترک مجله دیجیتالی امنیت عادلانه در آمریکا و دارای سوابق فعالیت در مراکز حاکمیتی آمریکا

(نشر در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ بر ابر با نهم اسفند ۱۴۰۴ شمسی)

یادداشت سردبیر رسانه منتشر کننده نوشتار: این مقاله نخستین بار در ۲۱ ژوئن ۲۰۱۹ منتشر شد و سپس در ۱۸ ژوئن ۲۰۲۵ به همراه یادداشتی از نویسندگان، بازنشر گردید. [و اینک در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ برای سومین نوبت بازنشر میشود.] به‌روزرسانی نویسندگان در ۱۸ ژوئن ۲۰۲۵: با توجه به گزارش‌هایی^۳ مبنی بر اینکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور [آمریکا]، در حال بررسی ورود مستقیم ایالات متحده به درگیری مسلحانه میان اسرائیل و ایران - و به‌ویژه انجام حملات تهاجمی علیه برنامه هسته‌ای ایران - است، درک چارچوب قانونی حاکم بر شرایط و زمان استفاده رئیس‌جمهور از نیروی نظامی در خارج از کشور بر اساس قوانین داخلی ایالات متحده اهمیت دارد (همان‌طور که در سال ۲۰۱۹ اشاره کردیم، استفاده از زور باید با حقوق بین‌الملل نیز منطبق باشد؛ موضوعی که در ادامه به‌طور مختصر به آن می‌پردازیم.)

همان‌طور که در پرسش و پاسخ ذیل تشریح شده است، [در نظام حقوقی آمریکا] تنها دو منبع قانونی برای استفاده از نیروی نظامی در خارج از کشور وجود دارد: قانون اساسی و مجوزهای کنگره برای استفاده از نیروی نظامی (موسوم به AUMF)^۴. همان‌گونه که در سال ۲۰۱۹ توضیح دادیم و این واقعیت همچنان پابرجاست، هیچ مجوز فعلی استفاده از نیروی نظامی وجود ندارد که به رئیس‌جمهور اجازه استفاده از زور علیه ایران را بدهد. دوم اینکه، بر اساس تفسیر

^۱. Brian Egan

^۲. Tess Bridgeman

^۳. <https://www.politico.com/newsletters/playbook/2025/06/18/trumps-next-move-on-iran-00411810>

^۴. Authorization for Use of Military Force of 2001

خود قوه مجریه از اصل دوم قانون اساسی - تفسیری که در دهه‌های اخیر بسیار گسترده‌تر شده و لزوماً مورد پذیرش کنگره یا دادگاه‌ها نیست - رئیس‌جمهور می‌تواند برای حفاظت از منافع ملی حیاتی از نیروی نظامی استفاده کند، اما مشروط بر آنکه اقدام نظامی مذکور به معنای «جنگ در مفهوم قانون اساسی» نباشد (مفهومی که اختیار صدور مجوز آن، همراه با مجموعه‌ای از اختیارات دیگر مرتبط با جنگ در اصل اول [قانون اساسی]، صرفاً به کنگره واگذار شده است). شماری از عواملی که قوه مجریه به‌طور سنتی در این تحلیل مد نظر قرار می‌دهد، حاکی از آن است که در شرایط کنونی، آستانه «جنگ به معنای قانون اساسی» محقق شده است؛ از جمله (و نه محدود به) مواردی همچون به‌کارگیری زور علیه یک دولت-ملت بزرگ [ایران] (که اعلام کرده است^۵ «هرگونه مداخله آمریکا، زمینه‌ساز [وقوع] جنگی تمام‌عیار در منطقه خواهد بود»)، آسیب‌پذیری نیروهای آمریکایی در منطقه، و این احتمال که استفاده از زور نه محدود یا جزئی، بلکه - آن‌گونه که برخی گزارش‌ها نشان می‌دهند - حتی ممکن است حاکی از نیتی برای تغییر رژیم از طریق توسل به زور باشد^۶ یا از سوی طرف مقابل چنین تلقی شود. در واقع، اگر استفاده از نیروی نظامی علیه ایران در این شرایط خاص به آن آستانه نرسد، دشوار می‌توان تصور کرد که چه وضعیتی مصداق جنگی محسوب می‌شود که نیازمند مجوز کنگره است.

کنگره برای جلوگیری از توسل غیرقانونی رئیس‌جمهور به نیروی نظامی، گزینه‌هایی در اختیار دارد که در ادامه توضیح داده شده‌اند؛ از جمله استفاده از اختیارات مربوط به تخصیص بودجه و «قطعنامه اختیارات جنگی» مصوب سال ۱۹۷۳. [پیش‌نویس] قطعنامه‌هایی که توسط سناتور تیم کین^۷ (دموکرات از ویرجینیا) در ۱۶ ژوئن، سناتور برنی سندرز^۸ (مستقل از ورمانت) در ۱۷ ژوئن، و نمایندگان مجلس توماس مسی (جمهوری‌خواه از کنتاکی) و روخانا^۹ (دموکرات از کالیفرنیا) در ۱۷ ژوئن ارائه شده‌اند، همگی با هدف جلوگیری از اقدام رئیس‌جمهور برای ورود به درگیری نظامی با ایران بدون کسب مجوز از کنگره مطرح شده‌اند.

^۵ <https://edition.cnn.com/2025/06/17/politics/trump-israel-iran-ceasefire>

^۶ . معلوم می‌شود که حتی چند روز قبل از ورود آمریکا برای همراهی با اسرائیل در تجاوز ۱۲ روزه به ایران در سال ۱۴۰۴، نویسندگان مقاله این برداشت را داشته‌اند که این تجاوز با هدف تغییر نظام سیاسی در ایران مورد پیگیری قرار می‌گیرد. آن زمان هنوز ترامپ به صراحت این نیت خود را آشکار نکرده بود اما بعد از گذشت چند ماه چه در وقایع دیمه ایران و چه در تجاوز مجدد اسفند ماه به ایران با صراحت اعلام کرد که تغییر نظام سیاسی در ایران را دنبال می‌کند. در گام‌های بعدی، ترامپ نابودی تمدن ایرانیان را هدف خود اعلام داشت. وی در هر دو نوبت مذکور در این توهم بود که با چند روز مداخله نظامی و امنیتی به هدف خود خواهد رسید اما ظاهراً سر وی و همدست جنایتکارش، نتانیاهاو، به دیوار مقاومت ملی و شجاعانه ایرانیان برخورد کرد. (توضیح افزوده بر متن)

^۷ https://www.kaine.senate.gov/imo/media/doc/iran_war_powers_resolution.pdf

^۸ <https://www.sanders.senate.gov/wp-content/uploads/DAV25B57.pdf>

^۹ <https://massie.house.gov/uploadedfiles/iranwpr.pdf>

آنچه در پی می آید، پرسش و پاسخی مقدماتی درباره شرایطی است که تحت آن، عملیات نظامی ایالات متحده علیه ایران بر اساس قوانین آمریکا قانونی محسوب می شود [و اگر آن شرایط قانونی رعایت نشود، اقدام غیر قانونی خواهد بود]. هدف این است که چارچوبی حقوقی در خصوص این مسئله مهم برای روزنامه نگاران، قانون گذاران و عموم مردم فراهم شود.

تحلیل ما محدود به سناریویی خاص - مانند حملات نیروهای ایرانی یا نیروهای نیابتی^{۱۰} منتسب به ایران به کشتی های تجاری، پهپادها، شناورهای نظامی یا پرسنل ایالات متحده - نیست؛ بلکه به پرسش های کلی تری می پردازد: رئیس جمهور تحت چه شرایطی اختیار آغاز عملیات نظامی علیه ایران را دارد؟ آیا کنگره پیش تر مجوزی برای استفاده از نیروی نظامی علیه ایران صادر کرده است؟ جایگاه «قطعنامه اختیارات جنگی» در این میان چیست؟ و اگر کنگره با رویکرد رئیس جمهور مخالف باشد، چه اقداماتی می تواند انجام دهد؟

[پرسش و پاسخ ها]

۱. آیا رئیس جمهور برای استفاده از نیروی نظامی ایالات متحده علیه ایران به مجوز کنگره نیاز دارد؟

اختیار رئیس جمهور برای استفاده از نیروی نظامی در خارج از کشور از دو منبع ناشی می شود: قانون اساسی [آمریکا] و مجوز کنگره. در حال حاضر، ما معتقد نیستیم که هر گونه مجوز مصوب کنگره برای استفاده از نیرو [نظامی] علیه ایران وجود داشته باشد (به پرسش ۲ در ادامه مراجعه کنید). در غیاب مجوز کنگره، رئیس جمهور تنها با تکیه بر اختیارات خود در حوزه روابط خارجی و همچنین به عنوان فرمانده کل قوا - بر اساس اصل دوم قانون اساسی - می تواند علیه ایران از نیروی نظامی استفاده کند.

درباره دامنه اختیارات رئیس جمهور برای استفاده از نیروی نظامی در غیاب مجوز کنگره، بحث های قابل توجهی وجود دارد. قوه مجریه، بر اساس رویه تاریخی مستمر در دولت های جمهوری خواه و دموکرات و آن گونه که در

^{۱۰} . عنوان نیروهای نیابتی ایران را در وهله نخست، اشغالگران قدس و سپس دولت آمریکا و متحدانش بکار گرفته اند تا جریان های مقاومت ملی در کشورهای مختلف برای دفاع از حق تعیین سرنوشت خود که عمدتاً در مقابل اشغالگری یا سیطره گری ایستاده اند را تحقیر کنند حال آنکه این نیروها در اقصی نقاط جهان به ویژه غرب آسیا از حقوق مشروع خود دفاع می کنند و ایران به مقاومت آنها احترام و در حد مقدورات، حمایت می کند. معمولاً نویسندگانی که متوجه نکته فوق هستند و پرهیز دارند که در این ادبیات کلیشه ای هدفمند اشغالگران قدس نیفتند از عنوان گروه های مقاومت متحد ایران یا متحدان ایران استفاده می کنند. (توضیح افزوده بر متن)

مجموعه^{۱۱} نظرات^{۱۲} «دفتر مشاوره حقوقی» (OLC) وزارت دادگستری بازتاب یافته است، تفسیری نسبتاً گسترده از اختیارات رئیس‌جمهور ذیل «اصل دوم» قانون اساسی برای آغاز استفاده از نیروی نظامی اتخاذ کرده و استدلال می‌کند که در شرایط زیر مجاز به انجام چنین کاری است:

(۱) «منافع ملی» مهمی^{۱۳} در میان باشد (کورتیس بردلی و جک گلداسمیت توضیح داده‌اند که این مفهوم در رویه‌های امروزی بسیار بسط یافته است^{۱۴}؛ در حالی که مارتی لدرمن پیشنهاد کرده است^{۱۵} که این مفهوم باید محدود به منافع ملی حائز اهمیتی تلقی شود که در گذشته نیز توجیه‌کننده چنین اقدامات یک‌جانبه‌ای بوده‌اند)؛ و (۲) استفاده از نیرو، مصداق «جنگ» به معنای حقوقی و قانون اساسی آن نباشد.

دلیل محدودیت اخیر این است که اصل اول قانون اساسی، اختیار «اعلام جنگ»^{۱۶} را به کنگره واگذار کرده است. استدلال قوه مجریه در اصل این است که اگر «ماهیت، دامنه و مدت زمان» مورد انتظار یک درگیری نظامی^{۱۷} پایین‌تر از حد آستانه «جنگ»^{۱۸} باشد، رئیس‌جمهور می‌تواند بدون مجوز کنگره از نیروی نظامی استفاده کند. از دیدگاه دفتر مشاوره حقوقی^{۱۹} [وزارت دادگستری]، «عملیات نظامی تنها زمانی در سطح جنگ تلقی می‌شود که با درگیری‌های نظامی طولانی مدت و عمده همراه باشد؛ درگیری‌هایی که معمولاً مستلزم قرار گرفتن پرسنل نظامی ایالات متحده در معرض خطرات جدی برای مدتی قابل توجه هستند.» این دفتر اخیراً اعلام کرد که حملات محدود ایالات متحده علیه سوریه^{۲۰} که در واکنش به استفاده بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، از سلاح‌های شیمیایی صورت گرفت - از این حد آستانه فراتر نرفته است. نظرات پیشین این دفتر نیز در خصوص حملات نظامی ایالات متحده در لیبی^{۲۱} (سال

^{۱۱} <https://fas.org/irp/agency/doj/olc/libya.pdf>

^{۱۲} <https://www.justice.gov/olc/opinion/file/1067551/download>

^{۱۳} Important national interest

^{۱۴} <https://www.lawfareblog.com/olcs-meaningless-national-interests-test-legality-presidential-uses-force>

^{۱۵} <https://www.justsecurity.org/39674/syrian-strikes-violate-u-n-charter-constitution/>

^{۱۶} Declare war

^{۱۷} The military engagement

^{۱۸} The threshold of war

^{۱۹} <https://www.justice.gov/olc/opinion/file/1067551/download>

^{۲۰} <https://www.justice.gov/olc/opinion/file/1067551/download>

^{۲۱} . بعدها معلوم شد که ادعای یاد شده کاملاً کذب و بی‌بنیان بوده است و هیچ کاربرد سلاح شیمیایی در سوریه انجام نشده بلکه نوعی صحنه سازی برای حمله به دولت وقت سوریه بوده است. این رویکرد را آمریکایی‌ها در تجاوزات به کشورهای مختلف از جمله عراق، لیبی و دیگر کشورها در پرونده عملکردی خود دارند و این امر در دوره دولت‌های گوناگون آمریکا اعم از دموکرات یا جمهوریخواه به وقوع پیوسته است. (توضیح افزوده بر متن)

^{۲۲} <https://fas.org/irp/agency/doj/olc/libya.pdf>

(۲۰۱۱) و فعالیت‌های نظامی این کشور در هائیتی^{۲۳} (دهه ۱۹۹۰) و موارد دیگر، به نتیجه‌گیری مشابهی رسیده بودند. کنگره در «قطعنامه اختیارات جنگی» مصوب ۱۹۷۳^{۲۴}(WPR)^{۲۵}، محدودیت‌های مهمی را بر توانایی رئیس‌جمهور برای انجام عملیات نظامی در غیاب مجوز صریح کنگره اعمال کرد. در واقع، کنگره لزوماً اختیارات خود را آن‌چنان محدود و اختیارات رئیس‌جمهور را آن‌چنان گسترده - آن‌گونه که در نظرات مذکور دفتر مشاوره حقوقی توصیف شده است - نمی‌بیند. این قطعنامه صراحتاً دیدگاه کنگره را بیان می‌کند که بر اساس آن، اعمال اختیار قانونی رئیس‌جمهور برای وارد کردن نیروهای مسلح ایالات متحده به صحنه درگیری‌های نظامی (یا موقعیت‌هایی که در آن احتمال قریب‌الوقوع درگیری وجود دارد)، تنها در موارد زیر مجاز است: (۱) اعلام جنگ، (۲) مجوز قانونی خاص، یا (۳) وضعیت اضطراری ملی ناشی از حمله به ایالات متحده، قلمروها یا متصرفات آن، و یا نیروهای مسلح این کشور. علاوه بر این، همان‌طور که در ادامه توضیح داده شده است، این قطعنامه مقرر می‌دارد که عملیات نظامی مربوطه (یا همان «درگیری‌های نظامی») باید پس از یک دوره زمانی مشخص پایان یابند، مگر آنکه کنگره مجوز آن‌ها را صادر کرده باشد.

تدوین‌کنندگان قانون اساسی، اختیار اعلام جنگ و همچنین اختیاراتی نظیر تشکیل و پشتیبانی از ارتش، ایجاد و نگهداری نیروی دریایی، تأمین دفاع مشترک، تنظیم مقررات مربوط به توقیف و ضبط کشتی‌ها در زمان جنگ و بسیاری از اختیارات دیگر مرتبط با جنگ و امور خارجی را به کنگره واگذار کردند.^{۲۶} این کار تا حدی با هدف جلوگیری از کشیده شدن ایالات متحده به درگیری‌هایی با اهداف مخالف با نظر مردم^{۲۷} یا بدون بحث و بررسی توسط نمایندگان مردم صورت گرفت. ساختار قانون اساسی به گونه‌ای طراحی شده که کنگره نسبت به قوه مجریه تمایل کمتری به ورود به جنگ داشته باشد؛ این ویژگی، نه یک نقص، بلکه بخشی از سازوکار طراحی شده است. (شایان ذکر است که همواره این درک وجود داشته که اگرچه بخش عمده‌ای از اختیارات مربوط به جنگ افروزی در دست کنگره است، اما رئیس‌جمهور نیز دست کم از اختیاراتی هم‌زمان - و یا حتی انحصاری - در زمینه هدایت عملیات نظامی و استفاده از زور برای دفع حملات ناگهانی علیه ایالات متحده برخوردار است.)

^{۲۳} <https://www.justice.gov/file/20306/download>

^{۲۴} https://avalon.law.yale.edu/20th_century/warpower.asp

^{۲۵} The War Powers Resolution (WPR), first adopted in 1973 (added on text)

^{۲۶} <https://www.archives.gov/founding-docs/constitution-transcript>

^{۲۷} Unpopular purposes

علاوه بر این، حتی از دیدگاه «دفتر مشاور حقوقی» [وزارت دادگستری]، زمانی که استفاده از زور علیه یک دولت - ملت دیگر (و نه در قلمرو آن کشور اما با رضایت آن)^{۲۸} صورت می گیرد و احتمال تشدید تنش در آن بالاست؛^{۲۹} معیار «جنگ» به مفهوم قانون اساسی آسان تر محقق می شود.

اگرچه ایران یک قدرت هسته ای نیست - عاملی که قطعاً بر این محاسبات تأثیر می گذاشت - اما ظرفیت آن به عنوان یک دولت - ملت با نیروی نظامی قدرتمند^{۳۰} (از جمله توانمندی های سایبری و موشک های بالستیک) در این تحلیل حائز اهمیت است؛ همچنین میزان آسیب پذیری ایالات متحده نیز، با توجه به حضور و فعالیت گسترده نیروهای نظامی ایران (و نیروهای نیابتی شان) در منطقه، عاملی تعیین کننده محسوب می شود. دامنه اهداف ایالات متحده برای استفاده از زور نیز بر این تحلیل تأثیر خواهد گذاشت، به ویژه اگر احتمال رود که آن اهداف نیازمند عملیات های طولانی مدت باشند یا موجب واکنش نظامی متقابل ایران شوند. این عوامل ممکن است این مورد را، برای مثال، از حملات ایالات متحده علیه سوریه متمایز سازد.

در نهایت، محدودیت مهم دیگر این است که استفاده رئیس جمهور از نیروی نظامی - چه با مجوز کنگره باشد و چه بدون آن - باید با حقوق بین الملل مطابقت داشته باشد. طبق اصل دوم قانون اساسی، رئیس جمهور موظف است «اهتمام ورزد»^{۳۱} که قوانین به درستی و با وفاداری اجرا شوند. این وظیفه شامل تعهدات حقوقی بین المللی ما نیز می شود؛ از جمله منشور سازمان ملل متحد^{۳۲} که تهدید به استفاده از زور یا توسل به آن را - مگر در شرایطی خاص و محدود مانند دفاع مشروع - ممنوع کرده است. همچنین بر اساس حقوق بین الملل، حتی اگر ایالات متحده در مقام دفاع مشروع اقدام کند، واکنش این کشور باید ضروری و متناسب باشد.

۲. آیا رئیس جمهور برای حمله به ایران از کنگره مجوز دارد؟ به طور مشخص، آیا «مجوز استفاده از نیروی نظامی» (AUMF) مصوب سال ۲۰۰۱، مجوز حمله به ایران را نیز در بر می گیرد؟

^{۲۸} <https://www.justice.gov/file/20306/download>

^{۲۹} <https://www.justice.gov/file/20306/download>

^{۳۰} در خور توجه است که حتی حقوقدانان آمریکایی قبل از اینکه از نتیجه هر جنگ تازه آمریکا با ایران مطلع شوند بر قدرتمندی نیروهای نظامی ایران اذعان کرده اند. قطعاً شناخت نیروهای نظامی و امنیتی آمریکا از این واقعیت، بیشتر بوده است. (توضیح افزوده بر متن)

^{۳۱} https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3315698

^{۳۲} <https://www.un.org/en/sections/un-charter/un-charter-full-text/>

هیچ گونه مجوز کنگره‌ای برای استفاده از نیروی نظامی علیه ایران وجود ندارد. اگرچه برخی از اعضای دولت ترامپ، از جمله مایک پمپئو (وزیر امور خارجه [در دولت اول ترامپ])، استدلال‌هایی را برای مرتبط دانستن ایران و القاعده مطرح کرده‌اند - که احتمالاً تلاشی برای زمینه‌سازی جهت استناد به مجوز سال ۲۰۰۱ (مصوب پس از حملات ۱۱ سپتامبر) برای اقدام نظامی علیه ایران محسوب می‌شود - اما این استدلال به هیچ وجه متقاعدکننده نیست. مجوز سال ۲۰۰۱ به رئیس‌جمهور اجازه می‌دهد تا «نیروی ضروری و مناسب را علیه آن دسته از کشورها، سازمان‌ها یا اشخاصی به کار گیرد که به تشخیص او، حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را طراحی، تأیید یا اجرا کرده یا در آن مشارکت داشته‌اند، و یا به چنین سازمان‌ها یا اشخاصی پناه داده‌اند؛ این اقدام با هدف جلوگیری از هرگونه عمل تروریستی بین‌المللی آتی علیه ایالات متحده توسط آن کشورها، سازمان‌ها یا اشخاص صورت می‌گیرد.» این مجوز مدت‌هاست که ناظر بر گروه القاعده و طالبان (که در زمان حملات ۱۱ سپتامبر در افغانستان به القاعده پناه داده بود) تلقی می‌شود و هر سه قوه حکومت نیز آن را - بر اساس اصل «همدستی در مخاصمه مسلحانه»^{۳۳} شامل حال «نیروهای وابسته»^{۳۴} به آن دو گروه مسلح نیز دانسته‌اند.

همان‌طور که پیش‌تر نوشته‌ایم:^{۳۵} «مجوز استفاده از نیروی نظامی مصوب سال ۲۰۰۱ استفاده از زور علیه ایران را مجاز نمی‌شمارد. ایران در حملات ۱۱ سپتامبر دخالتی نداشت؛ نیروهای ایرانی نه القاعده یا طالبان (یا نیروهای وابسته به آن‌ها) هستند و نه «جانشین» هیچ‌یک از آن نیروها محسوب می‌شوند.»

بسیاری بر این باورند^{۳۶} که پمپئو و دیگر مقامات ممکن است در حال زمینه‌سازی برای این استدلال باشند که «مجوز استفاده از نیروی نظامی» مصوب سال ۲۰۰۱، انجام عملیات نظامی علیه ایران را مجاز می‌شمارد؛ زیرا ایران به برخی از اعضای القاعده «پناه داده است». از منظر واقعیت‌های موجود، ما از هیچ گونه اطلاعات موثقی مبنی بر اینکه ایران به گروه القاعده به عنوان یک تشکیلات «پناه» داده یا به آن اجازه طراحی حملات از خاک خود را می‌دهد، آگاه نیستیم. از منظر حقوقی نیز، قانون یاد شده هرگز به گونه‌ای تفسیر نشده است که حمله نظامی به یک کشور خارجی را صرفاً به دلیل حضور یا عبور برخی از اعضای القاعده از آن کشور مجاز بداند؛ حتی اگر چنین وضعیتی در مورد ایران صادق باشد. به علاوه، استفاده از زمان گذشته - یعنی واژه «پناه داده بودند»^{۳۷} - در متن این قانون نشان می‌دهد که هدف آن

^{۳۳} The principle of co-belligerency in armed conflict.

^{۳۴} Associated forces

^{۳۵} <https://www.justsecurity.org/62511/wolf-sheeps-clothing-mcconnell-amendment-provide-president-rationale-military-operations-iran/>

^{۳۶} <https://www.nytimes.com/2019/06/19/us/politics/us-iran.html>

^{۳۷} Harbored

اشاره به کسانی بوده است که مسئولیت فراهم کردن پناهگاه امن و ارائه سایر کمک‌ها به عاملان حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ علیه ایالات متحده را بر عهده داشته‌اند. در طول ۲۰ سالی که از حملات ۱۱ سپتامبر می‌گذرد، هرگز این احتمال مطرح نشده است که بتوان قانون مصوب ۲۰۰۱ را به گونه‌ای تفسیر کرد که استفاده از زور علیه یک «پناه دهنده» در زمان حال را مجاز بداند. (باز هم تأکید می‌شود که هیچ مدرک شناخته‌شده‌ای وجود ندارد که نشان دهد ایران چنین کاری را در قبال القاعده انجام می‌دهد).

قانون مصوب ۲۰۰۱ تنها در صورتی استفاده از زور را مجاز می‌داند که این اقدام با حقوق بین‌الملل سازگار باشد؛ چنان‌که دیوان عالی در پرونده «حمدی علیه رامسفلد»^{۳۸} تصریح کرده است. حتی اگر تصور شود که قانون مصوب ۲۰۰۱ به نحوی شامل حال ایران می‌شود - که چنین نیست - قوه مجریه تنها در صورتی قادر به استفاده از زور علیه ایران خواهد بود که این اقدام ضروری و متناسب با تهدید مشخص ناشی از القاعده باشد.

در جلسه استماع^{۳۹} کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان در تاریخ ۱۹ ژوئن، «تد دویچ» (نماینده دموکرات از ایالت فلوریدا) از «برایان هوک»، نماینده ویژه وزارت امور خارجه در امور ایران، پرسید که آیا به اعتقاد او «دولت می‌تواند بر اساس قانون مصوب ۲۰۰۱، حمله‌ای را علیه ایران آغاز کند؟» پاسخ او مبنی بر اینکه «اگر مایل به ارائه آن باشید، دفتر مشاور حقوقی می‌تواند در این خصوص نظر خود را اعلام کند»، گام بعدی مناسبی را برای تعامل کنگره با دولت پیرامون این مسئله فراهم می‌آورد. در نهایت، شایان ذکر است که هیچ استدلال موجهی وجود ندارد که بر اساس آن، مجوز دیگری برای استفاده از نیروی نظامی که همچنان معتبر است - یعنی «قطعنامه مجوز استفاده از نیروی نظامی علیه عراق مصوب ۲۰۰۲» (AUMF 2002)^{۴۰} - مجوز توسل به زور علیه ایران را صادر کند. این مجوز به رئیس‌جمهور اجازه می‌دهد تا از نیرویی استفاده کند که برای «دفاع از امنیت ملی ایالات متحده در برابر تهدید مداوم ناشی از عراق» و «اجرای تمام قطعنامه‌های مرتبط شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه عراق»، «ضروری و مناسب» باشد؛ مواردی که به‌وضوح هیچ ارتباطی با وضعیت کنونی در قبال ایران ندارند.

۳. اگر کنگره با تصمیم رئیس‌جمهور مبنی بر استفاده از نیروی نظامی مخالف باشد، چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟ به‌طور مشخص‌تر، کنگره پیشاپیش چه اقداماتی می‌تواند برای جلوگیری از

^{۳۸} <https://www.law.cornell.edu/supct/html/03-6696.ZO.html>

^{۳۹} https://www.youtube.com/watch?v=FKK_fABJl4

^{۴۰} <https://www.congress.gov/107/plaws/publ243/PLAW-107publ243.pdf>

اقدامات رئیس‌جمهور صورت دهد؟ و در صورتی که قانون‌گذاران مخالف باشند، پس از آنکه رئیس‌جمهور علیه ایران از زور استفاده کرد، کنگره چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟

کنگره ابزارهای متعددی در اختیار دارد تا توانایی رئیس‌جمهور برای استفاده یک‌جانبه از زور را محدود کند. حتی از دیدگاه «دفتر مشاور حقوقی» [وزارت دادگستری]، اگر کنگره تصمیم به اعمال محدودیت بگیرد، می‌توان جلوی توانایی رئیس‌جمهور برای استفاده از زور بدون مجوز کنگره را گرفت. اگرچه دادستان‌های کل پیشین و دفتر مشاور حقوقی [وزارت دادگستری] تعیین کرده‌اند که رئیس‌جمهور اختیار استفاده از نیروی نظامی در خارج از کشور را برای حفاظت از منافع ملی حیاتی - و در سطحی پایین‌تر از آستانه «جنگ» به معنای قانون اساسی - دارد، اما همان‌طور که پیش‌تر بحث شد، این دفتر در سال ۲۰۱۱ نوشت^{۴۱}: «این اختیار مستقل رئیس‌جمهور... دست کم تا زمانی که کنگره به‌طور مشخص آن را محدود نکرده باشد، وجود دارد.»

اختیار کنگره در زمینه تخصیص بودجه، یکی از قدرتمندترین ابزارها برای محدود کردن اقدامات رئیس‌جمهور است. در سال ۲۰۱۸، دفتر مشاور حقوقی [وزارت دادگستری] اعلام کرد^{۴۲} که اختیارات گسترده‌ای که قانون اساسی به کنگره اعطا کرده است، «تضمین می‌کند که استفاده از زور "نمی‌تواند در طول زمان بدون رضایت، و در واقع تصویب کنگره تداوم یابد؛ زیرا این کنگره است که باید بودجه لازم برای جنگ یا عملیات انتظامی (نظامی) را تخصیص دهد." ... این اختیارات همچنین رئیس‌جمهور را ملزم می‌کند که پیش از بررسی اقدام نظامی‌ای که کشور را وارد جنگ می‌کند، به دنبال کسب مجوز کنگره باشد.»

شایان ذکر است که یک اصلاحیه پیشنهادی برای «قانون مجوز دفاع ملی سال مالی ۲۰۲۰» — (FY20 NDAA) که هفته گذشته در کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان مورد بحث قرار گرفت^{۴۳} - استفاده از بودجه فدرال برای به‌کارگیری نیروی نظامی در ایران یا علیه آن را، مگر در صورت اعلام جنگ توسط کنگره یا تصویب مجوز قانونی خاص، ممنوع می‌کرد؛ البته با این استثنا که «وضعیت اضطراری ملی... ناشی از حمله به ایالات متحده، قلمروها یا متصرفات آن، و یا نیروهای مسلح آن» ایجاد شده باشد.

^{۴۱} https://www.justice.gov/sites/default/files/olc/opinions/2011/04/31/authority-military-use-in-libya_0.pdf

^{۴۲} <https://www.justice.gov/olc/opinion/file/1067551/download>

^{۴۳} <https://www.c-span.org/video/?461583-8/house-armed-services-committee-marks-defense-authorization-act>

اگرچه این اصلاحیه پس از بحث‌های طولانی پس گرفته شد، اما آدام اسمیت، نماینده دموکرات و رئیس این کمیته، متعهد شده است^{۴۴} که «هنگامی که لایحه FY20 NDAA در صحن اصلی مجلس نمایندگان مطرح می‌شود، رأی‌گیری درباره پیشنهادی مشابه انجام شود.» (این اصلاحیه توسط نمایندگان مجلس، «روخانا»^{۴۵} (دموکرات از کالیفرنیا)، «آنتونی براون»^{۴۶} (دموکرات از مریلند)، «جان گارامندی»^{۴۷} (دموکرات از کالیفرنیا) و «ست مولتون»^{۴۸} (دموکرات از ماساچوست) ارائه شد.)

دقیقاً همین نوع اقدام - یعنی قطع بودجه برای موارد خاص - توسل به زور که متکی بر اختیار قانونی کنگره در تخصیص بودجه است - کنگره را در قوی‌ترین موضع برای اعمال اقتدار خود بر مسئله استفاده از نیروی نظامی در خارج از کشور قرار می‌دهد و اختیارات رئیس‌جمهور را به سطحی می‌رساند که دیوان عالی آن را «پایین‌ترین حد ممکن»^{۴۹} توصیف کرده است. هدف آشکار این اصلاحیه پیشنهادی، جلوگیری از کشاندن ایالات متحده به جنگ توسط قوه مجریه بدون رأی صریح کنگره برای مجوز آن است؛ امری که به‌ویژه با توجه به اینکه مقامات ارشد دولت ترامپ در حال بررسی توجیه توسل به زور علیه ایران بر اساس مجوز کنگره در قانون «مجاز استفاده از نیروی نظامی» مصوب سال ۲۰۰۱ هستند، اهمیت ویژه‌ای دارد.

در نهایت، چنین اصلاحیه‌ای حتی پس از آغاز اولیه استفاده از نیروی نظامی نیز قابل تصویب است و به وضوح نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور بدون دریافت مجوز از کنگره، اختیار ادامه استفاده از نیروی نظامی را ندارد.

۴. آیا «قطعنامه اختیارات جنگی» به رئیس‌جمهور اجازه استفاده از نیروی نظامی را می‌دهد؟ این قطعنامه رئیس‌جمهور را ملزم می‌کند پیش از اقدام نظامی چه کاری انجام دهد؟ همچنین، در صورتی که رئیس‌جمهور بدون مجوز کنگره در خارج از کشور از نیروی نظامی استفاده کند، این قطعنامه چه اختیاراتی به کنگره می‌دهد؟ قطعنامه اختیارات جنگی (WPR) به رئیس‌جمهور مجوز استفاده از نیروی نظامی را نمی‌دهد؛ تصور خلاف این موضوع، یک باور نادرست و رایج است. هدف صریح این قانون^{۵۰} «تحقق نیت تدوین‌کنندگان قانون اساسی... و

^{۴۴} <https://khanna.house.gov/media/press-releases/release-reps-khanna-brown-garamendi-moulton-push-prevent-war-iran-national>

^{۴۵} Ro Khanna

^{۴۶} Anthony Brown

^{۴۷} John Garamendi

^{۴۸} Seth Moulton

^{۴۹} https://www.law.cornell.edu/supremecourt/text/343/579#writing-USSC_CR_0343_0579_ZC2

^{۵۰} <https://www.law.cornell.edu/uscode/text/50/1541>

تضمین این امر است که خرد جمعی کنگره و رئیس‌جمهور در خصوص ورود نیروهای مسلح ایالات متحده به درگیری‌های نظامی، یا موقعیت‌هایی که در آن‌ها شرایط به‌وضوح نشان‌دهنده درگیری قریب‌الوقوع است، اعمال شود...» همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، این قانون دیدگاهی محدود نسبت به اختیارات رئیس‌جمهور برای اعزام نیروهای مسلح ایالات متحده به چنین موقعیت‌هایی - در غیاب مجوز کنگره یا وقوع حمله به ایالات متحده- دارد.

پیش از آنکه رئیس‌جمهور نیروهای آمریکایی را درگیر عملیات نظامی در خارج از کشور (یا موقعیت‌هایی که احتمال درگیری در آن‌ها وجود دارد) کند، قطعنامه اختیارات جنگی او را ملزم به «مشورت با کنگره» می‌سازد. همچنین، این قطعنامه رئیس‌جمهور را موظف می‌کند که در صورت تحقق شرایطی خاص که ممکن است منجر به کشیده شدن ایالات متحده به جنگی بدون مجوز کنگره شود، ظرف ۴۸ ساعت به کنگره گزارش دهد. این شرایط عبارت‌اند از زمانی که نیروهای مسلح ایالات متحده:

- (۱) وارد درگیری‌های نظامی شوند (یا در موقعیتی قرار گیرند که شرایط به‌وضوح نشان‌دهنده درگیری نظامی است)؛
- (۲) در حالی که برای نبرد تجهیز شده‌اند، وارد قلمرو، حریم هوایی یا آب‌های یک کشور خارجی شوند (به‌جز موارد استقرار معمول برای «تدارکات، جایگزینی، تعمیر یا آموزش» نیروهای آمریکایی)؛ یا
- (۳) با «تعدادی که به‌طور قابل توجهی شمار نیروهای رزمی مستقر در آن کشور خارجی را افزایش می‌دهد» وارد آن کشور شوند.

در نهایت، هسته اصلی قطعنامه اختیارات جنگی، مفاد مربوط به خاتمه عملیات است؛ سازوکاری که هدف آن تضمین این نکته است که رئیس‌جمهور بدون مجوز صریح کنگره، به درگیر نگه داشتن نیروهای آمریکایی در عملیات نظامی ادامه ندهد. بر اساس «قانون اختیارات جنگی»، رئیس‌جمهور موظف است ۶۰ روز پس از ارائه اطلاع‌رسانی الزامی، «هرگونه استفاده» از نیروهای مسلح ایالات متحده را که وارد مخاصمات شده‌اند (یا شرایط به‌وضوح نشان‌دهنده درگیری آن‌ها در مخاصمات است) متوقف کند؛ مگر آنکه کنگره به‌طور مشخص استفاده از نیروهای مسلح را طی یک قانون مجاز شمرده باشد، قانونی برای تمدید مهلت ۶۰ روزه تصویب کرده باشد، یا به دلیل «حمله مسلحانه به ایالات متحده، عملاً قادر به تشکیل جلسه نباشد».

قوه مجریه دیدگاه واحد و ثابتی^{۵۱} درباره انطباق مفاد مربوط به توقف عملیات در قانون اختیارات جنگی با قانون اساسی اتخاذ نکرده است. در بیانیه وتوی رئیس جمهور نیکسون^{۵۲} استدلال شده بود که بخش عمده‌ای از این قانون، از جمله مهلت ۶۰ روزه، مغایر با قانون اساسی است؛ «دفتر مشاوره حقوقی [وزارت دادگستری]» نیز در یادداشت سال ۲۰۰۱ «جان یو» درباره «مجوز استفاده از نیروی نظامی» - که بعدها اعتبار آن رد شد^{۵۳} اشاره‌ای گذرا به همین موضوع داشت. در مقابل، دفتر مشاوره حقوقی در سال ۱۹۸۰ به این نتیجه رسید^{۵۴} که کنگره می‌تواند «به‌عنوان یک اصل کلی قانون اساسی» برای استفاده از نیروهای مسلح (در غیاب مجوز صریح کنگره) محدودیت زمانی تعیین کند؛ موضعی که دولت اوپاما نیز بر آن صحنه گذاشت^{۵۵}.

دست کم می‌توان گفت که بحث‌های قابل توجهی پیرامون مصادیق «خصوصیت‌های نظامی»^{۵۶} در چارچوب «قطعنامه اختیارات جنگی» وجود دارد. برای نمونه، دولت‌های اوپاما و ترامپ هر دو بر این باور بودند که ارائه سوخت‌رسانی هوایی و پشتیبانی اطلاعاتی به ائتلاف تحت رهبری عربستان در مناقشه یمن، به منزله ورود نیروهای آمریکایی به عرصه «خصوصیت‌های نظامی»^{۵۷} محسوب نمی‌شود. افزون بر این، تجربیات اخیر نشان داده است که اگر کنگره آرای کافی برای لغو وتوی رئیس جمهور^{۵۸} (در خصوص قطعنامه‌ای که خواستار توقف به کارگیری نیروهای مسلح ایالات متحده است) را در اختیار نداشته باشد، ممکن است نتواند صرفاً با تکیه بر سازوکار «قطعنامه اختیارات جنگی»، مانع از ادامه درگیری نظامی^{۵۹} در خارج از کشور شود؛ البته مشروط بر اینکه رئیس جمهور معتقد باشد آن درگیری نظامی خاص، مصادق «خصوصیت‌های نظامی» نیست. همین امر دلیلی مضاعف است بر اینکه قطع بودجه مربوط به استفاده از نیروی نظامی علیه ایران - در غیاب مجوز کنگره یا وقوع حمله مسلحانه از سوی ایران علیه ایالات متحده یا نیروهای مسلح آن - ابزاری مؤثرتر برای محدود کردن توانایی قوه مجریه در کشاندن ایالات متحده به جنگی خواهد بود که کنگره مجوزی برای آن صادر نکرده است.

^{۵۱} https://harvardlawreview.org/wp-content/uploads/pdfs/barron_lederman2.pdf

^{۵۲} <https://www.visithecapitol.gov/exhibitions/artifact/president-richard-nixons-letter-house-representatives-regarding-his-veto-war>

^{۵۳} https://www.justice.gov/sites/default/files/olc/opinions/2001/09/31/op-olc-v025-p0188_0.pdf

^{۵۴} <https://www.justice.gov/olc/file/476871/download>

^{۵۵} <https://2009-2017.state.gov/s/l/releases/remarks/167250.htm>

^{۵۶} <https://www.justsecurity.org/63855/getting-past-the-veto-on-ending-yemen-war-how-congress-next-move-can-succeed/>

^{۵۷} Hostilities

^{۵۸} <https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/presidential-veto-message-senate-accompany-s-j-res-7/>

^{۵۹} Military engagement